

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ دسمبر ۲۰۱۸

قتل خاشقجی، سند رسوائی ارتجاع

در تاریخ ۱۰ مهر، جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار منتقد ولیعهد دیکتاتور عربستان، محمد بن سلمان، یکی از متعلقان به هیأت حاکمه قبیله آل سعود، که گویا برای اخذ سند ازدواج به کنسولگری این کشور در استانبول مراجعه کرده بود، ناپدید شد.

همسر او، پس از ساعت‌ها انتظار در بیرون کنسولگری، جریان را به پولیس شهر خبر می‌دهد. پولیس ترکیه پس از برملا شدن خبر سر به نیست شدن خاشقجی، متعاقب نخستین تحقیقات، در همان ساعات اولیه اعلام کرد که دو ساعت قبل از ورود خاشقجی به کنسولگری، یک کماندوی مرگ ۱۵ نفره، که مأموران امنیتی عربستان نیز در میان آنها بودند، وارد فرودگاه استانبول شده و مستقیم به کنسولگری عربستان سعودی رفته است. حتی روزنامه «صباح» اسامی، تصاویر و تاریخ تولد این ۱۵ نفر را منتشر کرده است. دو نفر از ۱۵ نفر، که قبل از همه وارد کنسولگری شده بودند، خاشقجی را به شدت مضروب می‌سازند و سپس به اتاق دیگری منتقل می‌کنند. مقامات ترکیه اعلام کردند که دکتر التوبیدی – که به خرج دولت عربستان در دانشگاه ملبورن رشته «پزشکی قانونی» را آموخته است – یکی از اعضای باند ترور ۱۵ نفره، هنگام ورود به ترکیه به همراه خود یک اژه برقی داشته است. پولیس ترکیه در عین حال می‌افزاید که نوارهای صوتی ضبط شده در کنسولگری، حاکی از آن است که «دکتر التوبیدی» تحت نظارت و دستورات سرهنگ «صلاح الطیبی»، رئیس پزشک قانونی نیروهای امنیتی عمومی عربستان، ابتداء انگشتان خاشقجی را قطع کرده، سپس سر او را بریده و در خاتمه او را قطعه قطعه کرده و در چمدان‌هایی جاسازی و از کنسولگری خارج نموده‌اند. «سرهنگ الطیبی» در هنگام مژگن کردن خبرنگار بخت‌برگشته، از دستیاران خود خواسته است که موسیقی پخش کنند!! مقامات ترکیه مدعی‌اند که از جریان شکنجه و قتل خاشقجی نوارهای صوتی و فلم در اختیار دارند. پولیس در عین حال اضافه می‌کند که یک ساعت و ۵۴ دقیقه بعد یک اتومبیل ون مشکی، که قبلاً در گاراژ منزل کنسول پارک شده بوده، به اضافه یک اتومبیل دیگر با یک پلاک دیپلمات، چمدان‌های حامل جسد خاشقجی را از کنسولگری خارج می‌کنند و چند ساعت بعد نیز ترکیه را به مقصد کشورهای مختلف ترک می‌کنند.

حتی دفتر دادستان کل ترکیه اعلام داشته است که علی‌رغم کتمان قتل خاشقجی، در بازرسی‌های اولیه از محمد عطیبی، کنسول عربستان در استانبول – دلایل مهمی از قتل به دست آمده است. جالب اینجاست که همین کنسول وقیحانه اعلام کرده بود: «خاشقجی شهروند ماست و به کسی اجازه دخالت نمی‌دهیم». اما زمانی که چاووش اوغلو، وزیر خارجه

ترکیه، اعلام کرد که هر لحظه ممکن است که دادستان کل ترکیه هر فردی را، در ارتباط با جنایت در کنسولگری عربستان بازداشت و مورد بازجویی قرار دهد، جناب کنسول فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد. او هنگام ترک فرودگاه بیش از ۱۰ چمدان بزرگ به همراه داشته است، که مطابق قانون مصونیت دیپلماتیک هیچ کدام از آنها بازرسی نشدند. در ضمن در فایل صوتی موجود، گویا او از کماندوهای ترور خواسته است که «این کار را در کنسولگری انجام ندهید و او را به جای دیگر منتقل کنید و مرا به دردمر نیندازید». سپس یکی از اعضای گروه مرگ به او گفته است: «اگر می‌خواهی بعد از بازگشت به عربستان، زنده بمانی، سکوت کن!». در ضمن به دستور همین کنسول دوربین‌های مداربسته در کنسولگری «خراب» شده بودند!! و از کلیه کارمندان شهروند ترکیه در کنسولگری خواسته بود که آن روز به کنسولگری نیایند.

علیرغم فاش شدن کلیه این جزئیات، وزارت خارجه عربستان ابتداء اعلام کرد که خاشقجی، پس از اقامت کوتاه در کنسولگری، آن محل را ترک کرده است! اما پس از برملا شدن گزارش پولیس ترکیه و فشار افکار عمومی در یک کُر دو صدائی، ترمپ و محمدبن‌سلمان اعلام کردند که این قتل کار «یک گروه خودسر» می‌تواند باشد! حتی یکی از مسئولین عربستان ادعا کرد که کار القاعده بوده است! و بالاخره در تاریخ ۲۹ مهر [میزان]، پس از افشای رسانه‌های بین‌المللی و مقامات ترکیه و مخالفان ترمپ در امریکا و اپوزیسیون در کشورهای اروپائی، عربستان اعلام کرد که خاشقجی در اثر درگیری و «بُکس‌بازی» با مردی در کنسولگری این کشور در استانبول کشته شده است! جالب‌تر این که دادستانی این کشور حکم جلب ۱۸ نفر در عربستان را به جرم دست‌داشتن در این قتل صادر و بازداشت کرده است، که عبارت هستند از: نعود استطحانی، وزیر مشاور دربار؛ احمد عسیری، معاون سازمان اطلاعات؛ کماندوی مرگ ۱۵ نفره که در روز قتل به کنسولگری عربستان در استانبول رفته بودند و بالاخره کنسول عربستان در استانبول. بدون تردید سرهم‌بندی کردن این افسانه و به احتمال قوی قربانی‌کردن این ۱۸ نفر تنها و تنها به خاطر تطهیر محمدبن‌سلمان، مستبد سلاخ کاخ سعود، که هنوز به مقام پادشاهی نرسیده، استبداد فردی خود را در این کشور اعمال می‌کند، طرح ریزی شده است. روزنامه «عربییه ۲۱» در این رابطه قبلاً نوشته بود که «این دستگیری‌ها طبق توافق امریکا و سلطان سلمان و ولیعهد، صورت خواهد گرفت».

خاشقجی که بود

خاشقجی در اوج به‌گیروبندهای محمدبن‌سلمان برای پرهیز از بازداشت و نجات جان خود، یکسال پیش به امریکا گریخت و با روزنامه واشنگتن پست آغاز به همکاری کرد. او قریب به ۳۰ سال از نزدیک با دربار سعودی همکاری داشت. او مدتی مدیر کانال خبری «العرب نیوز» و نیز روزنامه سعودی «الوطن» بوده و سال‌ها در خاورمیانه و آفریقا به گزارشگری مشغول بوده است. او حتی زمانی که در افغانستان گزارشگری می‌کرده است، با سازمان‌های اطلاعاتی عربستان سعودی و امریکا نیز همکاری داشته است. مدت‌ها نیز در سمت مشاور امور مطبوعاتی تُرکی الفیصل، که سفیر عربستان در بریتانیا و امریکا بود، شاغل بود. خاشقجی از یاران اسامه بن لادن بوده و با القاعده همکاری داشت. وی از دخالت در یمن در بدو امر پشتیبانی می‌نمود. وی نه تنها دموکرات و آزادیخواه نبود وی توجیه‌گر اقدامات آل-سعود بود. مخالفت خاشقجی در مورد تجاوز به یمن نیز از آن جهت بود که دورنمای سیاسی این تجاوز برایش روشن نبود. هر جنگی ادامه سیاست است و روزی باید به پایان برسد. معلوم نبود که عربستان سعودی برای پایان جنگ و اهداف آن چه برنامه‌ای دارد. نابودی یک کشور و قربانی کردن ده‌ها هزار نفر و بی‌خانمانی میلیون‌ها نفر سیاست جنگی دروآندیشانه‌ای نیست، خونخواهی و انتقامجویی است.

خاشقجی منتقد و هابیت و سلفی‌گری بود و در عین حال به اخوان المسلمین نیز نزدیک بود. به همین دلیل خاشقجی مخالف شرکت عربستان در کودتا علیه مرسى محسوب می‌شد. او از ۱۰ سال پیش به مخالفت با پیگردها و سرکوب حقوق زنان پرداخت. او از منتقدین جدی محمد بن سلمان و ولیعهد سعودی بود و در مقالاتش از او انتقاد می‌کرد. خاشقجی از یکسو خواهان مذاکره با اخوان المسلمین بود و از سوی دیگر از مخالفان سرسخت تجاوز دامنه‌دار عربستان به یمن بود. به همین دلیل محمد بن سلمان قصد جان او را کرد. گرچه قتل داعش‌وار خاشقجی قُلَّة و قاحت مستبد افسارگسیخته عربستان را به نمایش می‌گذارد، ولی او اولین قربانی آل سعود نبود. این نخستین بار نیست که فردی توسط خاندان سعودی ربوده و یا سرب‌نیست می‌شود. ربوده‌شدن سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان، سعود بن سیف و بن خالد، شاهزاده‌های عربستان، ناصر سعید، نویسنده، سلطان بن ترکی، شاهزاده سعودی و در حصر و زندان نگاه‌داشتن آنها جزئی از اقدامات تلافی‌جویانه خودکامگی حاکم بر عربستان به شمار می‌آیند.

علاوه بر این سرکوب زنان و مردان مدافع حقوق بشر سال‌هاست که دستور روز نظام حاکم بر عربستان است. و صدها نفر از اعضاء و بنیان‌گذاران جامعه حقوق مدنی و سیاسی در عربستان به جرم «جاسوسی و کارگزاران سفارتخانه‌های خارجی بودن» - که این نوع پیگرد و سرکوب‌ها و بهانه‌ها برای ما ایرانیان غریب نیست - در زندان به سر می‌برند. بسیاری مدافعان حقوق زنان و وبلاگ‌گران در زندان به سر می‌برند. اینها جزئی از دست‌آوردها و ثمرات وعده‌های «اصلاحات» محمد بن سلمان در «برنامه آینده ۲۰۳۰» به شمار می‌آیند!

فدراسیون بین‌المللی جامعه حقوق بشر به اضافه بیش از ۳۰ گروه حقوق بشر، خواهان آزادی فوری مدافعان حقوق بشر در عربستان شده‌اند. فدراسیون حقوق بشر در عین حال سرکوب رو به تزاید زندانیان و معترضان سیاسی سعودی به دست وزارت کشور عربستان سعودی و افزایش نگران‌کننده اعدام‌ها را در این کشور، از سال ۲۰۱۳ به این سو محکوم کرده است. محمد بن سلمان، که خود القاعده و داعش را در دامان پُر مهر خاندان آل سعود پرورش داده و صادر کرده است، اکنون مخالفان خود را به اتهام «تروریست داعشی و القاعده‌ئی» سرکوب می‌کند! از آغاز «بهار عربی» ده‌ها روشنفکر و دانشجو و وکیل دادگستری، که خواهان اصلاح نظام کیفری پوسیده و مرتجع آل سعود شده‌اند، دستگیر و به اتهام نافرمانی از پادشاه و تحریک و فتنه، محکوم به تلاش برای براندازی در دادگاه‌های «ضد تروریستی» شده و در چنگال زندان و شکنجه اسیرند.

این سرکوب‌ها و قتل فجیع خاشقجی، پیامد منطقی کودتای قصری ملک سلمان علیه برادرانشان است.

کودتای قصری

طبق قانون «هفت سریری» در عربستان سعودی، ولیعهدی اساساً به «محمد بن نایف» می‌رسد. اما ملک سلمان از سال ۲۰۱۵ با عزل ولیعهد «محمد بن نایف» و به ولایت عهدی رساندن پسرش، محمد، برای اولین بار قانون سعودی را زیر پا نهاد. او پس از همراه کردن مفتی‌ها با خود، بگرویبیندها را آغاز کرد. او تاکنون ۱۱ شاهزاده مخالف و ۳۸ تن از وزرای سابق و مقامات بلندپایه را دستگیر و یا ممنوع‌الخروج کرده است و حتی فرودگاه‌های خصوصی را به منظور جلوگیری از فرار آنها، بسته است. بالگرد شاهزاده منصور بن مقرن با شلیک گلوله ارتش به دستور ملک سلمان، سرنگون شد و به قتل رسید. سلمان «متعب بن عبدالله» را از فرماندهی گارد ملی - که از منافع سران قبایل دفاع می‌کند - برکنار کرد، زیرا او مخالف محمد بن سلمان بود و به این ترتیب طبیعی است که ولیعهد عربستان امروز که مخالفان زیادی میان مفتی‌ها، شاهزاده‌ها و سران قبایل دارد، از ترس کودتای قصری متقابل، حتی از سایه خود نیز می‌هراسد و هیچ صدای مخالفی را بر نمی‌تابد. منابع اطلاعاتی به «مرآه‌الجزیره» گفته‌اند که «بن سلمان تحت حمایت امریکا، بلاک-

واتر و گارد سلطنتی است. او در معرض کودتا از جانب گارد ملی در ریاض و جدّه است – ملک سلمان و پسرش از ترس کودتا حتی در جلسه گروه ۲۰ در هامبورگ شرکت نکردند. این منابع می‌گویند که نیروهای امنیتی و پولیس در همه جا مشاهده می‌شوند. اوضاع امنیتی ویژه‌ای در ریاض حاکم است. در همه جا دوربین‌های امنیتی نصب شده‌اند.

رسوایی و درماندگی ارتجاع

ترمپ، که ادعاهای پرطمطراق ضدتروریستی‌اش گوش فلک را گر کرده است، خود یک تروریست بزرگ را در گنف حمایت گرفته است. پس از برملا شدن قضیه ترور خاشقجی، ترمپ به آسوشیندپرس گفت که سلطان سلمان و پسرش به ناحق در مظان اتهام قرار گرفتند، زیرا او یک ساعت پیش با سلطان سلمان و ولیعهد صحبت کرده و هر دوی آنها به او اطمینان دادند که از سرنوشت خاشقجی کاملاً بی‌اطلاع‌اند! و گفته‌اند که احتمالاً کار یک گروه «خودسر» بوده است! ترمپ نه می‌خواهد و نه می‌تواند قتل خاشقجی را به سلمان و پسرش نسبت دهد. به همین دلیل تا آنجا که ممکن است از این کار امتناع خواهد ورزید. گرچه قتل وحشیانه خبرنگار بخت‌برگشته تبدیل به بحرانی در کاخ سفید گشته است، ولی از آنجا که ترمپ بخش مهمی از اقتصاد داخلی امریکا را بر پایه اخاذی از عربستان، با استدلال «پرداخت در قبال حمایت» بنا نهاده است، بر احوالی قادر به تنبیه عربستان نیست.

از سوی دیگر از آنجا که، ۱- "واشننگتن پست" با فشار آوردن بر رسانه‌های عظیم نظیر؛ «نیویورک تایمز» و «سی.ان.ان» آنها را در ماجرای قتل خاشقجی با خود همراه کرده است. ۲- سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه با زیرکی تمام اطلاعاتی را قطره چکانی به بیرون، از جمله به دولت قطر در داده است و قطر مترصد است که از فرصت استفاده کرده و انتقام خود را از محمدبن‌سلمان بگیرد و... دونالد ترمپ را مجبور ساخت تا وزیر خارجه‌اش، جرج پمپئو را به عربستان روانه کند و سلطان سلمان و پسرش را وادار سازد، که به کشته شدن خاشقجی در کنسولگری عربستان در استانبول – که تا آن زمان آن را انکار می‌کردند – تن در دهند. آنگاه بن‌سلمان به ساختن افسانه کشته‌شدن خاشقجی، که گویا در اثر درگیری و «بُکس بازی» با یک نفر در کنسولگری صورت گرفته است، مبادرت ورزید. در غیر اینصورت غیر ممکن است که ترمپ به خاطر کشته‌شدن یک روزنامه‌نگار، منافع خود را در عربستان قربانی کند.

ممکن است که در اثر افشای کامل ماجرا، از جانب ترکیه و فشار رسانه‌ها و جناح‌های مخالف، ترمپ مجبور شود محمدبن‌سلمان را عوض کند، که این خود شکست بزرگی برای او محسوب خواهد شد. از سوی دیگر گروه‌گان‌گیری حریری، دستگیری شاهزاده‌ها، سرکوب فعالان حقوق بشر، حمله به یمن، ایجاد غائله قطر، قطع رابطه با کانادا و ... پرونده محمدسلمان ماجراجو را آنچنان غیر قابل دفاع ساخته است، که ممکن است قتل خاشقجی به مثابه کبریت به انبار باروت عمل کند. به قول یک خبرنگار نیویورک تایمز: «یک شاهزاده روانی که روزنامه‌نگاری را به قتل می‌رساند، یک نخست‌وزیر (سعد حریری-توفان) را می‌ریاید، میلیون‌ها مرد و زن و کودک را گرسنگی می‌دهد (جنگ یمن-توفان)، نباید در ضیافت شام رسمی تجلیل شود، بلکه جایش در زندان است». واقعیت این است که بسیاری از رسانه‌های جهان برای ساقط کردن محمدبن سلمان بسیج شده‌اند. البته هنوز ترمپ در دفاع از محمدبن‌سلمان علناً می‌گوید که «آدم خودمان را بالا آوردیم».

العربیة فارسی متعلق به عربستان در ۱۴ اکتوبر به مطالبی اشاره دارد که دال بر سکوت «حقوق بشر» طلبان واشنگتن در قبال سرکوب‌ها در عربستان، نسل‌کشی در یمن و نیز قتل خاشقجی است. نه تنها ترمپ و کوشنر، که اسرائیل نیز از لابی خود در کنگره برای جلوگیری از محکوم کردن بن‌سلمان و یا اقدام تنبیهی (تحریم) علیه عربستان جلوگیری خواهد کرد.

عربستان ۱۰٪ از فروش شرکت‌های اسلحه‌سازی و ۸۵٪ فروش ارتش این کشور را به خود اختصاص داده است. ترمپ در بدو روی کار آمدنش یک قرارداد طولانی مدت ۴۶۰ میلیارد دلاری فروش اسلحه با عربستان در ریاض امضاء کرد. علاوه بر این عربستان ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بزرگ امریکایی دارد. امریکا از بازار اقتصاد عربستان، که یکی از بیست اقتصاد بزرگ جهان است، نمی‌تواند چشم‌پوشد. هم‌اکنون ۱۱۰ میلیارد دلار اسلحه در دست تحویل به عربستان است و .. لذا ترمپ جلو هر اقدام تنبیهی علیه عربستان را خواهد گرفت. تُرکی‌الدخیل، در رابطه با عکس‌العمل عربستان در مقابل اقدامات تنبیهی (تحریم‌های) احتمالی از سوی امریکا، می‌نویسد که: «عربستان از بیش از ۳۰ اقدام مقابله‌جویانه استفاده خواهد کرد، به طوری که امریکا با یک فاجعه اقتصادی مواجه شود». ریاض پایتخت سوخت دنیاست. این کشور ۷،۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند. اگر صدور نفت مورد تهدید قرار بگیرد، قیمت نفت در بازار از ۸۰ دلار به ۲۰۰ دلار افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر ممکن است که نفت با «یوان» خرید و فروش شود که لطمه بزرگی به امریکا خواهد زد. البته این گزاره‌گویی‌ها مضحک است. زیرا همانگونه که بارها دیک چنی و دونالد رامزفلد همدستان جرج بوش بیان کرده‌اند: "خدا دچار یک اشتباه شده است و آن این که نفت ما را زیر خاک عربستان سعودی قرار داده است". تهدیدات عربستان سعودی توخالی است. در تحلیل نهایی؛ گرچه منجر به بی‌آبرویی امپریالیسم امریکا خواهد شد و با مشکلات روبه‌رو می‌گردند ولی در یک تجاوز آشکار خاک عربستان سعودی را اشغال خواهند کرد و بر بحران ساختگی غلبه می‌نمایند. عربستان متعلق به یک قبیله به نام آل سعود است، جایگزین کردن این مفتخورها با بدیل دیگری؛ مانند آب خوردن است. امریکا در حفظ منافع خود یک لحظه نیز تردید نخواهد کرد.

مشکلات امریکا در این امر این است که در صورت آزریدن عربستان از سوی آنها، ائتلاف سعودی - ابوظبی - اسرائیل - قاهره - امریکا، علیه ایران موقتاً و عملاً به هم خواهد خورد و «خطر» این که خاورمیانه و جهان اسلام به دامن ایران بیفتد، منتفی نخواهد بود. بنابر این علاوه بر نفت، عامل دیگری که برای امریکا حائز اهمیت است، نقشی است که عربستان با همکاری و کمک امریکا در رهبری جهان اسلام و تقویت داعش علیه ایران ایفاء می‌کند. از سوی دیگر همکاری‌های نظامی، اطلاعاتی این کشور با غرب نیز به مخاطره خواهد افتاد. تحریم علیه عربستان امکان صلح عربستان با ایران را نیز منتفی نخواهد بود.

اروپا نیز تاکنون در رابطه با قتل خاشقجی تنها از فرمول آبکی و همیشگی «کشف حقیقت» و «شفاف‌سازی» استفاده کرده است. حتی زمانی که نقش حقوق بشر در عربستان از طرف کانادا مورد انتقاد قرار گرفت و محمدبن‌سلمان با اعتراض شدید به کانادا، با این کشور قطع رابطه کرد، اروپا سکوت اختیار نمود. به ویژه المان نمی‌خواهد و نمی‌تواند عربستان را تنبیه و تحریم کند. زیرا علاوه بر اهمیت نفت و اقتصاد عربستان برای آنها، این کشور در سال جاری تاکنون دو برابر سال ۲۰۱۷ به عربستان اسلحه فروخته است. این رابطه در حالی است که در توافقنامه ائتلاف بزرگ دولت حاکم بر المان قید شده است که تحویل اسلحه از سوی المان به کشوری که در حال جنگ با کشور دیگر به سر می‌برد، ممنوع است! المان در سال جاری تاکنون ۴۱۶ میلیون یورو اسلحه به عربستان فروخته است. در صورتی که در سال ۲۰۱۷ این مبلغ از ۲۱۷ میلیون یورو تجاوز نکرده بود. اگر غرب با برخورد «کجدار و مریز» از محکوم‌کردن جنایات سلطان سلمان و پسرش طفره می‌رود، دولت‌های امارات، مصر، بحرین، لبنان، عمان و تشکیلات خودگردان فلسطین در بیانیه‌ای مشترک از عربستان حمایت کردند.

ترکیه نیز علی‌رغم داشتن مدارک کافی شیوه افشای قطرچه‌چکانی را در پیش گرفته و از افشای کامل آنها خودداری می‌کند، تا شاید بتواند با عربستان معامله کند و امتیازاتی بگیرد. چنین به نظر می‌رسد که امریکا و عربستان برای

خروج از بحران کنونی از یکسو در پی اجرای نقشه انداختن گناه این جنایت بزرگ به گردن «سعید امامی» های دستگیر شده و قربانی کردن آنها بوده، و از سوی دیگر در پی سازش با ترکیه و باج دادن کلان به اردو خان برای تطمیع و تمکین وی هستند. اردو خان که بی صبرانه در انتظار سرمایه گذاری در کشور خویش است، چه کسی بهتر و ثروتمندتر از عربستان سعودی وجود دارد. هم اکنون شایع است که محمد بن سلمان پیشنهاد ۵ میلیارد کمک بلاعوض به اردو خان داده است. در این میان نفرت انگیزتر از همه بخشی از اپوزیسیون وطنی خارج از کشور است که در مورد قتل خاشقجی خفقان گرفته است. برای نمونه گرچه خاشقجی در چند سال گذشته در مطبوعات امریکا، حامی مجاهدین بود، اما مریم رجوی در هیچ یک از وبسایت هایشان کوچکترین اشاره ای به این جنایت نکرده است. طبیعی هم هست که نکند، زیرا بیم قطع کمک های مالی عربستان مانع از این کار می شود و ترکی الفیصل دیگر در مجامع آنها حضور نخواهد یافت! آنها مانند بسیاری از اپوزیسیون های خود فروخته یا از توطئه ها و جنایات مثلث عربستان - اسرائیل - امریکا دفاع می کنند و یا آن را مسکوت می گذارند. حتی رسانه های مُبَلِّغ آنها، نظیر علیرضا نوری زاده، قتل خاشقجی را بی شرمانه به گردن قطر می اندازد. گاردین نوشت که «سعودی ها میلیون ها دالر به دلالتان سیاسی - مطبوعاتی داده اند، تا در قبال این جنایت سکوت کنند». مجاهدین و نوری زاده ها و ... جزء همین دلالتانند، زیرا معتقدند که تضعیف عربستان به معنای تقویت ایران است. فراموش نکنیم که اپوزیسیون خود فروخته تریبونال لندن در حالی که لبانشان به سرود "انترناسیونال" مترنم بود و کادرهای حزب کمونیست کارگری در مقابل نمایندگان عربستان سعودی رقاصی می کردند، بررسی نقض حقوق بشر در ایران را به عهده همین آل سعود گذاردند و بر سر سفره این جنایتکاران تناول نمودند. و امروز هم در پی آرایش چهره عربستان سعودی اند و حاضر نیستند رقاصی در بساط امپریالیسم و صهیونیسم، اخاذی از اجانب را به عنوان اقدامی خیانتکارانه به ضد منافع ملی و طبقاتی محکوم کنند. این اقدام منجر به قطع حقوق بازنشستگی آنها می شود. شاید قتل خاشقجی حداقل این خاصیت را داشته باشد که اپوزیسیون مزدور ایران بی پدر شود.

[برگرفته از توفان شماره ۲۲۵ آذر ماه \[فوس\] ۱۳۹۷ - دسمبر سال ۲۰۱۸](#)
[ارگان مرکزی حزب کار ایران \(توفان\)](#)